

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۳ اپریل ۲۰۲۰

کرونا، سیاست‌های نئولیبرالی و جهان پس از پیروزی بر کرونا:

بروز اپیدمی کرونا ثابت کرد که دولت‌های «پیشرفته‌ترین» و «مدرن‌ترین» کشورهای غربی، توان مقابله فوری با شیوع این بیماری را ندارند، چرا که سال‌هاست دولت‌های نئولیبرالی همزیستی و تعمیم بهداشت عمومی را بیشتر به بخش خصوصی واگذار کرده بودند.

امروزه در حقیقت بیمارستان‌ها به «شرکت‌های پزشکی» تبدیل شده‌اند. ناتوانی دولت‌ها نیز از همین روست و نتایج اجتناب‌ناپذیر سیاست‌های غلط دولت‌های نئولیبرالی بود. دولت چین با اقتدار و با استفاده از فرهنگ نهادینه شده همکاری و کلکتیو دوران گذشته توانست مدیریت این بحران را چه از نظر مالی و چه از نظر تأمین نیازهای عمومی برعهده گیرد و مردم نیز با اعتماد به توانائی دولت، که از پس این مشکلات برخواهد آمد، سه ماه قرنطینه را تحمل کردند. در هیچ یک از زمینه‌های فوق نمی‌توان نمونه‌ای در کشورهای غربی مشاهده کرد.

سیاست جهانی‌شدن سرمایه و مسافرت‌های بی حد و حصر در سراسر جهان نه تنها باعث شیوع سریع ویروس کرونا بود، بلکه بسیار از «بیماری‌های اجتماعی و اقتصادی» ناشی از پذیرش سیاست‌های «بازار آزاد» را نیز به ارمغان آورد، از جمله گسترش فقر، ناعدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی، نارسائی‌ها و کمبودها و فسادهای اقتصادی مزمن که عواقب وحشتناکی در زمینه توسعه کشورهای، بیکاری‌های ناشی از آن و عمیق‌شدن شکاف‌های آموزشی و رشد بنیادگرائی مذهبی به دلیل رشد نابرابری‌ها و رشد نژادپرستی... از اینرو است که بسیاری از ناظران اقتصادی نئولیبرال بیم دوران «پسا کرونائی» را دارند. در حالی که هنوز زمان زیادی از اعلام وضعیت فوق‌العاده در امریکا نمی‌گذرد، ۳ میلیون کارگر در امریکا بیکار شده‌اند. سازمان بین‌المللی کار اعلام کرده است که بیم آن می‌رود پس از پیروزی علم بر کرونا، ۲۵ میلیون نفر به تعداد بیکاران جهان افزوده شود. این رقم حتی ۲۲ درصد بیش از تعداد بیکاران پس از ورشکستگی بانک‌های سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۸ در جهان خواهد بود!

جهانی که از دهه ۸۰ تاکنون متناوباً در بحران به‌سربرده در هر بحرانی همواره بهداشت؛ آموزش و پرورش؛ آموزش عالی و رفاه اجتماعی قربانیان حذف سرمایه‌گذاری دولتی و کاهش یارانه‌ها بوده‌اند. صاحبان صنایع و کنسرن‌ها و بانک‌ها چنان قدرتی دارند که در تمامی این سال‌ها تلاش داشتند تا انباشت سرمایه و سودهای حاصله از آن را موجه جلوه دهند و حتی نابودی محیط‌زیست هم نتوانست انگیزه‌ای شود تا دست آنان در غارت جهان و منابع طبیعی بدون توجه به آینده دور خواست نظارت دولت‌ها را تقویت کند.

نئولیبرالیسم از دهه هفتاد با شعار پوپولیستی «آزادی انتخاب» در اقتصاد بازار آزاد و عدم محدودیت رقابتی را کلید «راز کارائی و توزیع عادلانه» خود به جهانیان معرفی کرد! علاوه بر این، نئولیبرالی با ساده‌سازی علت مشکلات فزاینده خود، مانند بیکاری، ناعادالتی‌های اقتصادی و اجتماعی، اختلاف سطح درآمدها و دستمزدها، بی‌تحریکی رشد اقتصادی و یا حتی رکود اقتصادی و... را مداخله دولت‌ها جلوه داده است. آنها معتقدند هرگونه فعالیت، در هر زمینه‌ای، حضور و مدیریت بخش خصوصی نتایج مطلوب‌تری را تضمین می‌کند. نتایج اجتماعی حاصل از سیاست‌های ناعادلانه آنها هرگز و در هیچ شرایطی برای شان مهم و عمده محسوب نشده است. یکی از زمینه‌هایی که سرمایه‌گذاری‌های خصوصی طی دهه‌های گذشته مورد هدف گسترده نئولیبرالیسم قرار گرفت، بهداشت جهانی بود. شعار حق استفاده از بهداشت و درمان عمومی در دنیا، پرچم دروغین این شیادان بود چرا که در کشور ژاندارم جهان، امریکا، این اصل قانونی اساساً به رسمیت شناخته نشده است. بهترین سند بر این ادعا برملاشدن کاستی‌های جدی و وحشتناک حاکم بر سیستم مراقبت‌های بهداشتی و درمانی امریکا و جهان با بروز کرونا بود. در امریکا، ثروتمندترین و مدرن‌ترین کشور جهان، بیش از ۳۰ میلیون نفر تحت پوشش بیمه درمانی نیستند و ۴۰ میلیون دیگر تقریباً تنها در شرایط بسیار شدید و بد می‌توانند به بیمه‌های خود دسترسی داشته باشند.

ویران‌بودن سیستم بهداشت جهانی خصوصاً در کشورهایی که تا دیروز به سیستم درمانی خود می‌بالیدند و با آن فخر می‌فروختند با شیوع ویروس همه‌گیر کرونا و ترس میلیون‌ها نفر از عدم توانایی پرداخت هزینه‌های ویزیت پزشکان، کمبودهای دارویی و تجهیزات پزشکی، ملموس‌تر شد. برای نمونه مشکل تخت خواب در بیمارستان‌های ایتالیا. در گذشته به ازای هر ۱۰۰,۰۰۰ نفر، ۵۷۵ تخت در نظر گرفته شده بود و امروز این مقدار تخت به ۲۷۵ عدد کاهش یافته است. مشابه این امر در اسپانیا نیز به شکل دلخراشی به چشم می‌خورد. بحران بهداشت و درمان فعلی ثابت می‌کند که عدم نظارت و کنترل مستقیم دولت تا چه حد به امکان استفاده درمان عمومی آسیب رساند.

آنچه نئولیبرالیسم در سیستم بهداشتی در کارنامه خود به ثبت رسانده است: کمبود تجهیزات و امکانات پزشکی در شرایط بحران، خصوصاً در شرایط کنونی از جمله دستگاه‌های تنفسی، کمبود بیمارستان‌ها و نتیجتاً کمبود تخت برای بیماران، پزشکان و پرستاران و کادر درمانی هم تصادفی نیست، بلکه حاصل کاهش بودجه سالیانه بهداشت در سیستم نئولیبرالی طی سالیان گذشته است. درآمد و شرایط کار پرسنل پزشکی و پرستاری باعث شد که تعداد کمتری علاقه مندی به این شغل نشان دهند یا به دیگر کشورها بروند. هرچند باید خاطر نشان ساخت که این کاهش بودجه مانع احداث ساختمان‌هایی شبیه هتل‌های لوکس با هدف تبلیغاتی نشد! چرا که این امر با کیفیت رسیدگی به مسائل سلامتی انسان‌ها ارتباط نداشت.

امروزی می‌توان تأسف خورد به فرصت‌های از دست‌رفته برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های تحقیقات پزشکی که با وجود ورشکستگی سیستم بهداشت و درمان جهانی، شرکت‌های بیمه و آزمایشگاه‌های فراملی سودهای کلان را به حساب‌های خود در بهشت کشورهای مالیاتی واریز کرده‌اند. اما مگر امر درمان عمومی، نجات جان انسان‌ها و تضمین سلامتی نمی‌بایستی بر سودآوری الویت می‌داشت؟

امریکا که سال‌هاست با شیوع سرماخوردگی‌های فصلی و آنفولانزاهای سالانه ظرفیتش در مدت کوتاهی تقریباً پُر می‌شود، امروز توان مقابله با بحران پیش‌بینی نشده کرونا را در سیستم بهداشت و درمانی خود ندارد. در کشورهای اتحادیه اروپا نیز ثابت شد که آنها توان پیشبرد یک سیاست مشترک در برابر میلیون‌ها نفر را که به زودی مشاغل خود را از دست خواهند داد، بسیاری از تولیدکنندگان و شرکت‌های کوچک با کوهی از صورتحساب‌های پرداختی روبه رو

خواهند شد و در این شرایط و انفسا هر کشور به فکر سود خود است. آنان که اتحادیه اروپا را به کشتی که یک هدف مشترک را باهم دنبال می‌کنند، تشبیه کرده بودند، امروز که کشتی‌شان در حال غرق شدن است، سکوت برگزیده‌اند. برخی این روزها سؤال می‌کنند: آیا کرونای جدید ساخته و پرداخته آزمایشگاه‌هاست؟ ما امروز نمی‌دانیم و نمی‌توانیم با قاطعیت نظر دهیم. اما آنچه ما با اطمینان می‌دانیم و می‌توانیم بیان کنیم «جنگ تجاری» جدی مابین چین و امریکاست. امریکا نیاز فوری و مبرم داشت که پیشرفت‌های اقتصادی و صنعتی چین را خنثی سازد. خصوصاً در زمینه ساخت و تولید تلفون‌های هوشمند و موبایل، تبلت، کامپیوترهایی که در زمینه‌های مختلف مانند انسان هوشمندانه عمل می‌کردند، اتومبیل‌های برقی و انرژی‌های تجدیدپذیر و بهروری از انرژی نو... خاری بود در چشم امریکا و اروپا. ضمناً برای اولین بار بعد از جنگ جهانی دوم دولت امریکا به برخی کارخانه‌ها دستور داد که تولیدات خود را متوقف کرده و وسایل مورد نیاز را تولید کنند. در اروپا نیز دولت‌ها به برخی کارخانه‌ها، دستور تولید وسایل و مواد لازم در جنگ با کرونا را صادر کردند که سودی کلان برایشان به بار خواهد آورد.

ویروس کرونا در عین حال که قربانیان زیادی در سراسر جهان گرفت، ضربه‌ای وحشتناک نیز بر پیکر نئولیبرالیسم وارد آورد و پایان افسانه «خوشبختی زیر سایه نئولیبرالیسم» را به گوش جهانیان رسانید. ویروس کرونا خط بطلانی بر مکانیسم واکنش بازار بر عرضه و تقاضا کشید و نشان داد که تنها با وساطت و مداخله جدی دولت‌ها این بحران قابل کنترل خواهد بود. و دور جدیدی از تعامل مخالفان با مدافعان خصوصی‌سازی بهداشت و درمانی آغاز گشت.

سراب کاپیتالیزم، که تحت هر شرایطی می‌تواند پیروز شود، با بروز جنگ با کرونا درهم شکست. این تصویر بی‌عیب و نقصی که برای مردم دنیا از سیاست‌های موفقیت‌آمیز نئولیبرالی ساخته بودند، خرد شد و درهم شکست. پس از کرونا و پایان «وضعیت فوق العاده»، بحث «بدهی ملی و راه کارهای دولت‌ها» آغاز خواهد شد. از اینرو در دوران «پسا کرونا» باید به بحث عدم پرداخت بدهی‌های خارجی دامن زد در غیر این صورت کشورهای زیادی به ورطه نابودی کشیده خواهند شد.

پسا زلزله سرمایه‌داری در راه است و در چند سال آینده خود را نمایان خواهد ساخت. یکی از دشواری‌ها نقش فردگرایی و جمع‌گرایی در بروز و حل بحرانی چون کرونا خواهد بود و نکته دیگر اهمیت انسان در جوامع سرمایه‌داری است. آیا در بحرانی چون کرونا دولت‌ها باید انسان را قربانی سود سرمایه کنند یا آن که انسان‌ها و جان انسان‌ها سرمایه اصلی جامعه هستند؟

نباید تردید داشت که دلسوزی‌های دولت‌ها برای جان انسان‌ها حقیقی نبوده و نیست. اگر حقیقی می‌بود، می‌بایست به کمبودها رسیدگی می‌شد و اکنون هم به جای نجات «وال استریت» باید فکری برای بیکاران حاصل از ظهور کرونا می‌شد. اگر این بشردوستی‌ها واقعی بود، هر ۱۱ ثانیه یک کودک یا زنی باردار در گوشه‌ای از جهان نمی‌مرد. اگر «انسان» برای سیستم سرمایه‌داری مهم می‌بود، جنگ‌های مخرب و بی‌حاصل به راه نمی‌انداختند و در دنیا تلی از کشته‌ها از خود به جای نمی‌گذاشتند و میلیون‌ها نفر دیگر را آواره نمی‌کردند. عالمی دیگر بیاید ساخت و ز نو آدمی! تنها تبدیل انسانی و راه نجات بشریت از شر خطرناکترین نوع ویروس، یعنی ویروس سرمایه‌داری امپریالیستی، سوسیالیسم است.